

## بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی زنان شهر بوشهر

حسین اطهری<sup>۱</sup>، ابوالقاسم شهریاری<sup>۲\*</sup>

### چکیده

مشارکت سیاسی از نشانه‌های دموکراسی و توسعه و مشروعیت سیاسی در جوامع مختلف است. هر اندازه میزان مشارکت در جامعه افزایش یابد، مشروعیت نظام سیاسی هم افزایش خواهد یافت. به همین دلیل نیز، تلاش نظام سیاسی ایران در جهت افزایش هرچه بیشتر میزان مشارکت سیاسی مردم است. از آنجاکه نیمی از زیست جهان ایرانی متشکل از زنان است، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی آنان می‌تواند فهم ما از علل و چگونگی مشارکت سیاسی را مشخص سازد و راهکارهای بهبود مشارکت زنان را نمایان کند. هدف از این تحقیق، که به روش پیمایش صورت گرفته است، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر بوشهر است. حجم نمونه ۳۵۰ نفر بوده که به روش خوشه‌ای (مناطق شهری) و تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که کیفیت مشارکت زنان بوشهری از نوع توده‌ای یا تماشاگرانه است. معادله حاصل از رگرسیون، متغیر آگاهی سیاسی را دارای بیشترین تأثیر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان نشان داده و پس از آن، متغیرهای مذهبی بودن، تحصیلات، احساس بی‌قدرتی، طبقه اجتماعی، احساس اثربخشی سیاسی و عضویت در انجمن‌ها بیشترین اثر را بر مشارکت سیاسی زنان دارند که در این میان متغیر بی‌قدرتی سیاسی اثر منفی بر مشارکت سیاسی دارد.

### کلیدواژگان

بوشهر، زنان، مشارکت سیاسی.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد: athari@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد: ab.shahriari@stu.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۷

## مقدمه و بیان مسئله

با گسترش معنای مشارکت<sup>۱</sup> و راه یافتن آن به همه عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. به همین دلیل نیز، یکی از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی سیاسی، مشارکت سیاسی<sup>۲</sup> است. مشارکت سیاسی به دو دلیل برای نظام‌های سیاسی از اهمیت خاص برخوردار است: ۱. مدت‌نظر قرار دادن موضوع مشارکت سیاسی برای سنجش مشروعیت یک نظام سیاسی ۲. به‌منزلهٔ عاملی برای افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی [۲، ص ۱۲۰].

هانتینگتون<sup>۳</sup> مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «کوشش‌های شهروندان غیر دولتی به منظور تأثیر نهادن بر سیاست‌های عمومی» [۱۵، ص ۱۵۰]. مک کلاسی<sup>۴</sup> نیز مشارکت سیاسی را آن دسته از کنش‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که از طریق آن اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان و تأثیرگذاری در سیاست‌های عمومی (چه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) سهیم می‌شوند [۴، ص ۱۳]. برای تحقق چنین هدفی، یک نظام سیاسی باید از همهٔ منابع انسانی خود بهره‌گیرد و با فعال کردن آن‌ها در حوزهٔ مشارکت سیاسی، ضمن ثبات‌پذیرنمودن خود، به بهبود سازوکارهای اجرایی خود نیز دست یازد [۴۶، ص ۱۶۲]. در چنین جایگاهی است که نقش زنان به‌منزلهٔ نیمی از اعضای جامعه و همچنین یک نیروی محوری مطرح می‌شود؛ زنانی که اشتغال و فعالیت آنان دوشادوش مردان، به‌منزلهٔ بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در توسعه و سازندگی جامعه دارد [۳۶، ص ۱۷۴] و مشارکت آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری حکومتی می‌تواند پشتوانه‌ای مناسب برای سایر عرصه‌های مشارکت‌جویانه تلقی شود. نادیده‌انگاری زنان در مشارکت سیاسی به معنی نادیده‌گیری نیمی از جمعیت فعال یک جامعه است و روند مردم‌سالاری را با چالش روبه‌رو می‌کند [۵۰، ص ۲۱۳].

عموماً مشارکت سیاسی زنان را به لحاظ کیفیت در دو سطح بررسی می‌کنند: ۱. توده‌ای (مانند شرکت در انتخابات، احزاب، انجمن‌ها، و تجربه‌های اجتماعی) ۲. نخبگانی (مانند حضور در مجلس، قوهٔ مجریه، و داشتن مناصب عالی) [۱۷، ص ۱۶۷]. با نگاهی گذرا به تاریخ ایران، مشخص می‌شود که زنان نقش فعال و سازنده‌ای در تاریخ معاصر ایران داشته‌اند که در دوران معاصر می‌توان از دورهٔ مشروطه به بررسی حضور زنان برای کسب حقوق خود اشاره کرد [۱۸، ص ۵۲]. در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز، زنان ایرانی هر دو نوع مشارکت را در عرصهٔ مشارکت سیاسی ایفا کرده‌اند؛ پایین‌ترین سطح آن شرکت در انتخابات و رأی‌دهی بوده و

- 
1. participation
  2. political participation
  3. Huntington
  4. Mackalski

بالاترین سطح آن نامزدشدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا و انتخاب به‌عنوان وزیر.

همان‌طور که عنوان شد، امروزه اهمیت حضور زنان در عرصه‌های سیاسی برای به ثمر رسیدن توسعه همه‌جانبه، مورد تأکید سیاستگذاران است. بدین جهت است که بررسی عواملی که می‌توانند بر مشارکت سیاسی زنان مؤثر باشند، ضروری می‌نماید تا بتوان با تکیه بر آن‌ها میزان و سطح مشارکت سیاسی زنان را ارتقا بخشید و به اهداف توسعه‌ای دست یافت. از سوی دیگر، بررسی در جامعه‌ای جدای از مرکز سیاسی کشور (که به دلایلی چون توسعه سیاسی، امکانات بیشتر، فرهنگ سیاسی حاکم، و... نمی‌تواند بازگوکننده شرایط عموم زنان یک کشور باشد)، لزوم تحقیق در سایر مناطق را مشخص می‌کند. بر این اساس، شهر بوشهر به‌منزله منطقه‌ای با توسعه سیاسی کمتر از مرکز سیاسی به‌عنوان جامعه هدف انتخاب شده است. بنابراین، اهداف این تحقیق پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. مشارکت سیاسی زنان بوشهری در چه سطح کیفی قرار دارد؟
۲. عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان در شهر بوشهر کدامند؟

## پیشینه نظری

تبیین مشارکت سیاسی مورد توجه نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف بوده است. هریک از نظریه‌های موجود در این زمینه تلاش نموده‌اند از دیدگاه خود به مسئله مشارکت سیاسی نظر بیندازند و متغیرهایی را که می‌توانند بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشند شناسایی کنند. از آنجا که هریک از این نظریه‌ها یک بُعد از واقعیت را تبیین می‌کنند، برای بالابردن قدرت تبیین مدل تحقیق، باید به تلفیق نظریه‌های گوناگون روی آورد تا در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان بتوان ضمن مشخص کردن عوامل تأثیرگذار، متغیرهای متفاوت را نیز آزمود؛ بنابراین، چارچوب نظری این تحقیق و متغیرهای انتخاب‌شده برای بررسی تأثیر آن‌ها بر مشارکت سیاسی زنان، تلفیقی از نظریه‌هایی است که در ادامه به شرح کوتاهی از آن‌ها پرداخته‌ایم.

**نظریه کارکردگرایی<sup>۱</sup>:** در این نظریه، دوام جامعه به همکاری و توافق اعضای آن بر سر ارزش‌های اساسی است که این ارزش‌ها به نوبه خود وابسته‌اند به فرض وجود یک وفاق فراگیر [۳۵، ص ۱۷۶۶]. هدف از مشارکت سیاسی در قالب رفتار انتخاباتی نیز حفظ و بقای نظام سیاسی است، زیرا با مشارکت سیاسی، پایه‌های اجتماعی قدرت تقویت و مستحکم و از بروز بحران در نظام اجتماعی جلوگیری می‌شود. نظریه‌پردازان کارکردگرایی معتقدند بدون رشد شخصیت

---

1. functionalism

اجتماعی، مشارکت مؤثر و آگاهانه تحقق پیدا نمی‌کند؛ بنابراین، با تغییر در نظام تمایلات افراد در طی فرایند جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> باید به بسط اخلاق مسئولیت، خوداتکایی، فعال‌گرایی، عام‌گرایی، و میل به پیشرفت، که زمینه‌ساز مشارکت مؤثرند، اقدام کرد [۴۳، ص ۲۸]. در این نظریه، فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مورد تأکید قرار دارد و به همین دلیل نیز عضویت فرد در گروه‌ها و انجمن‌ها و احزاب و... عاملی مؤثر بر مشارکت سیاسی قلمداد می‌شود، زیرا در این نوع فعالیت‌ها، فرد مسئولیت‌پذیر می‌شود و می‌آموزد که باید در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر سرنوشت خود و دیگران حضور داشته باشد. این نظریه را برخی پژوهشگران آزموده و تأیید کرده‌اند [۸؛ ۳۲؛ ۳۶؛ ۴۹؛ ۵۳؛ ۵۹].

متغیر دیگری که در این نظریه تأکید فراوان بر روی آن صورت می‌گیرد، آگاهی سیاسی<sup>۲</sup> است. آگاهی سیاسی، که به معنی شناخت و اطلاعات افراد به امور عمومی و سیاست جامعه [۲۳، ص ۱۳۸] است، با حضور در انجمن‌های داوطلبانه و افزایش تحصیلات افزایش می‌یابد و منجر می‌شود تا دسترسی به اطلاعات سیاسی افزایش بیابد که در این صورت احتمال مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد [۱۶، ص ۱۳۱]. همچنین، طبقات اجتماعی بر آگاهی سیاسی تأثیرگذار است. آگاهی سیاسی می‌تواند بر اثر انگیزه‌های سیاسی مختلف و تعلق گروهی و... ایجاد شود و فرد را به مشارکت بیشتر ترغیب کند. به لحاظ نظری و با توجه به تأثیرگذاری سایر متغیرها بر آگاهی سیاسی، این متغیر می‌تواند نقش اساسی در افزایش مشارکت ایفا کند. تحقیقات انجام گرفته نیز مؤید این نظرند [۵؛ ۱۲؛ ۱۹؛ ۳۹؛ ۴۷].

**نظریه بی‌قدرتی<sup>۳</sup>:** بی‌قدرتی بدین معنی است که فرد احتمال دهد یا انتظار داشته باشد که رفتارش نتیجه یا پاداشی را که در پی آن است به همراه نداشته باشد [۳۶، ص ۱۷۸]. این عامل سبب می‌شود که فرد رغبت چندانی به انجام‌دادن رفتار نداشته باشد و به نوعی ناتوانی در تأثیرگذاری دچار شود. این حالت سبب خواهد شد که فرد از انجام‌دادن عمل مورد نظر کناره‌گیری کند. دوایت دین<sup>۴</sup> بی‌قدرتی سیاسی را عاملی معرفی می‌کند که می‌تواند مانع مشارکت سیاسی شود [۲۸، ص ۳۹]. در تحقیقات انجام شده، تأثیر منفی این متغیر بر مشارکت سیاسی تأیید شده است [۱۹؛ ۲۹؛ ۴۶].

**نظریه اثربخشی سیاسی<sup>۵</sup>:** این نظریه در برابر بی‌قدرتی قرار دارد. اثربخشی سیاسی نگرشی است که بر اثر آن، فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آن‌ها نظارت می‌کند [۴۷، ص ۲۰۸]. افراد وقتی تصور کنند آنچه انجام می‌دهند بر

1. socialization
2. political awareness
3. political powerlessness
4. Dwight Dean
5. political efficacy

نتایج سیاسی اثرگذار است و آنچه را آن‌ها می‌خواهند و بیان می‌کنند در دستور کار مسئولان قرار می‌گیرد، بیشتر در امور سیاسی فعال می‌شوند؛ به طوری که می‌توان گفت هرچه احساس اثربخشی سیاسی فرد بیشتر باشد، مشارکت سیاسی او نیز بیشتر خواهد بود. اگر افراد احساس کنند که حضور در عرصه سیاسی فاقد اثرگذاری بر روند سیاسی است، مشارکت سیاسی نیز شکل نخواهد پذیرفت و گسترده نیز نخواهد شد [۲۷، ۴۵].

رابرت دال<sup>۱</sup> اثربخشی سیاسی را «اعتماد به نفس سیاسی<sup>۲</sup>» می‌نامد [۱۳، ۹۵]. در مدلی که وی ارائه می‌کند رفتار سیاسی بر حسب قاعده هزینه-فایده تحلیل می‌شود. دستیابی به پاداش مورد نظر و احساس تأثیرگذاری از متغیرهای ارزیابی فایده‌اند که هرچه مثبت‌تر باشند احتمال مشارکت سیاسی فرد را افزایش می‌دهند [۴۷، ۲۰۸]. بررسی‌های صورت گرفته تأثیر این متغیر بر افزایش مشارکت سیاسی را تأیید کرده‌اند [۲، ۲۷؛ ۳۱، ۴۱؛ ۴۷].

**نظریه ایدئولوژی و تکلیف:** یکی از عوامل دیگری که می‌تواند افراد را به مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه خویش تشویق و تهییج کند، آموزه‌های دینی است. دین، نظامی از مسئولیت‌ها را طراحی می‌کند که به طور دقیق وظایف فرد در آن مشخص است و براساس آن شخص متناسب با موقعیت‌های متنوع به پاسخ‌های مناسب اقدام می‌کند [۴، ۱۳]. این امر، به‌ویژه در قواعد اسلامی، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام دینی و باورهای اسلامی، بر التزام دینی بیش از هر چیز تأکید می‌شود [۳، ۴۴]. وجود آموزه‌هایی چون: مسئولیت همگانی، توجه به آرای عمومی، و جریان نظارت عمومی از عمده‌ترین اصولی است که در دین اسلام وجود دارند و فرد را به سرنوشت جامعه خویش حساس می‌کنند. پژوهشگران رابطه مستقیم بین دین‌داری با افزایش مشارکت سیاسی را تأیید کرده‌اند [۵، ۸؛ ۱۲، ۳۰؛ ۴۵، ۴۷؛ ۵۱، ۵۵؛ ۵۶، ۵۷].

## انواع مشارکت سیاسی

تقسیم‌بندی‌های گوناگونی درباره نوع یا سطح مشارکت سیاسی انجام گرفته است. اینگلهارت<sup>۳</sup> دو نوع مشارکت سیاسی را متمایز کرده است: ۱. سرآمد-وابسته: بیش از آنکه بیانگر تأثیر اولویت‌های مردم بر تصمیمات سرآمدان باشد، رهبری مردم از سوی سرآمدان را نشان می‌دهد. این نوع مشارکت سیاسی با شاخص‌هایی چون: رفتار سیاسی مبتنی بر وفاداری قومی و گروهی، رفتار سیای مبتنی بر وابستگی خانوادگی یا دوستی و... شناسایی می‌شود؛ ۲. سرآمد-گردان: اولویت‌های فردی را با دقت بیشتری بیان می‌کند و به مردم نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیری‌های

1. Robert Dahl  
2. Political Self-Confidence  
3. Inglehart

سیاسی می‌دهد. همچنین، در راستای تحقق این هدف بر گروه‌های ویژه تأکید فراوانی دارد. این نوع مشارکت سیاسی با شاخص‌هایی چون رفتار سیاسی مبتنی بر عقلانیت و فردگرایی شناسایی می‌شود [ص ۳۸۱].

هاگیو<sup>۱</sup> و همکاران، سه نوع مشارکت را معرفی می‌کنند: ۱. مشارکت اختیاری که در دموکراسی‌های لیبرال وجود دارد؛ ۲. مشارکت حکومتی که در حکومت‌های اقتدارگرا وجود دارد؛ ۳. مشارکت براساس روابط حامی-پیرو که در کشورهای در حال توسعه عمومیت دارد [ص ۳۰، ۸۹].

وربا<sup>۲</sup> نیز شش سطح از مشارکت سیاسی را مشخص کرده است: ۱. کاملاً منفعل؛ ۲. رأی‌دادن؛ ۳. محلی‌گرایان (مشارکت فقط در مسائل محلی)؛ ۴. کوتاه‌بین (مشارکت برای نفع شخصی)؛ ۵. مبارزان (فعالیت برای موضوعات خاص)؛ ۶. کاملاً فعال [ص ۳۰، ۸۸].

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌ها را میلبرث<sup>۳</sup> انجام داده است. وی مشارکت سیاسی را به سه دسته تقسیم کرده و برای هر یک شاخصه‌هایی ارائه می‌کند: ۱. فعالیت‌های پرتلاش<sup>۴</sup>: تصدی مقام دولتی یا حزبی، نامزدی برای مشاغل سیاسی و...؛ ۲. فعالیت‌های متوسط یا انتقالی<sup>۵</sup>: شرکت در یک جلسه یا گردهمایی سیاسی، کمک مالی به یک حزب یا نامزد انتخاباتی، و...؛ ۳. فعالیت‌های تماشاگرانه<sup>۶</sup>: راه‌اندازی یک بحث سیاسی، رأی‌دادن، و... [ص ۲۲، ۶۷].

## پیشینه تجربی

تحقیقات و پیمایش‌هایی که متغیرهای برگرفته از نظریه‌های مطرح‌شده را بررسی می‌کند، در پایان هر نظریه معرفی شدند. در کنار آن‌ها، بسیاری از تحقیقات انجام‌گرفته نیز به بررسی تأثیر متغیرهایی چون سن، وضعیت تأهل، و طبقه اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان پرداخته و وجود رابطه معنادار میان این متغیرها و مشارکت سیاسی را تأیید کرده‌اند [ص ۵؛ ۸؛ ۹؛ ۱۱؛ ۱۲؛ ۱۳؛ ۲۶؛ ۳۰؛ ۴۰؛ ۴۲؛ ۴۳؛ ۴۴؛ ۴۵؛ ۵۴]. برخی از پژوهشگران نیز تحصیلات را به‌طور مستقیم در رابطه با مشارکت سیاسی دانسته‌اند و بر این باورند که افزایش تحصیلات باعث افزایش میزان دسترسی افراد به اطلاعات خواهد شد و این امر، زمینه مساعدتری برای مشارکت سیاسی ایجاد می‌کند [ص ۱؛ ۷؛ ۲۴؛ ۲۵؛ ۳۴؛ ۴۶؛ ۴۸].

- 
1. Hogue
  2. Verba
  3. Milbrath
  4. Gladiatorial Activities
  5. Transitional Activities
  6. Spectator Activities

درباره نوع یا سطح مشارکت سیاسی زنان نیز تحقیقاتی در ایران صورت پذیرفته است. محسنی تبریزی و همکاران [۳۸]، مشارکت سیاسی توده‌ای را شایع‌ترین و عمومی‌ترین نوع مشارکت سیاسی و مشارکت سیاسی نخبگانی را از انواع نادر مشارکت نزد زنان ایرانی دانسته است. پیشگاهی فرد و همکاران [۱۰] نیز در بررسی خود میزان مشارکت زنان در بخش‌های مختلف حزبی را به شدت پایین گزارش کردند. جعفری‌نژاد و همکاران [۱۲] مشارکت نخبگانی زنان را پایین‌تر از مشارکت توده‌ای گزارش کرده‌اند. این نتیجه در تحقیقات بگ‌رضایی [۸]، ثقفی‌نژاد و همکاران [۱۱] و کتابی و قاسمی [۳۳] تأیید شده است. همچنین، عنایت [۵۲]، در پایان‌نامه دکتری خود، با بررسی ۱۱۲ نفر از فعالان سیاسی زن ایران، که سمت‌هایی چون مشاور وزیر، نماینده مجلس، و... داشته‌اند، بدین نتیجه رسیده است که درصد زیادی از افراد مطالعه‌شده تحصیلات بالا داشته و متأهل بوده‌اند. همچنین، جامعه‌پذیری سیاسی تأثیر بسزایی بر مشارکت سیاسی فعال آن‌ها داشته است.

در تحقیقات خارجی نیز، مشارکت سیاسی زنان و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است: اونیل [۶۰] بر تعهدگرایی مذهبی به‌منزله یک عنصر مؤثر بر مشارکت سیاسی میان زنان امریکایی تأکید کرده است. تاکی‌زاوا [۶۱] در بررسی مشارکت سیاسی زنان در کشور نروژ، ضمن اشاره به اینکه این کشور در سطح بالایی از مشارکت سیاسی زنان به‌ویژه در سطح نخبگانی قرار دارد، نوع دموکراسی موجود در این کشور را، که دموکراسی مشارکتی است، در کنار حضور مستمر زنان در حوزه سیاسی به‌منزله متغیری تأثیرگذار در مشارکت بالای زنان معرفی کرده است. نینر و همکاران [۵۸] مشارکت نخبگانی زنان در منطقه آسیا و پاسیفیک را نامطلوب گزارش کرده‌اند. شیلتون و همکاران [۶۱] بیان می‌کنند که شرط لازم برای تقویت دموکراسی، مشارکت و نمایندگی زنان در همه سطوح دولت است. به بیان دیگر، شرط برقراری دموکراسی حقیقی مشارکت سیاسی نخبگانی زنان است و مشارکت سیاسی توده‌ای نمی‌تواند راهگشای دموکراسی حقیقی شود. سازمان ملل [۶۲] نیز در گزارش خود بر نقش احزاب تأکید کرده و می‌گوید زنان از طریق عضویت در احزاب می‌توانند نقش فعال‌تری در تعیین سیاست‌های کشور خود ایفا کنند.

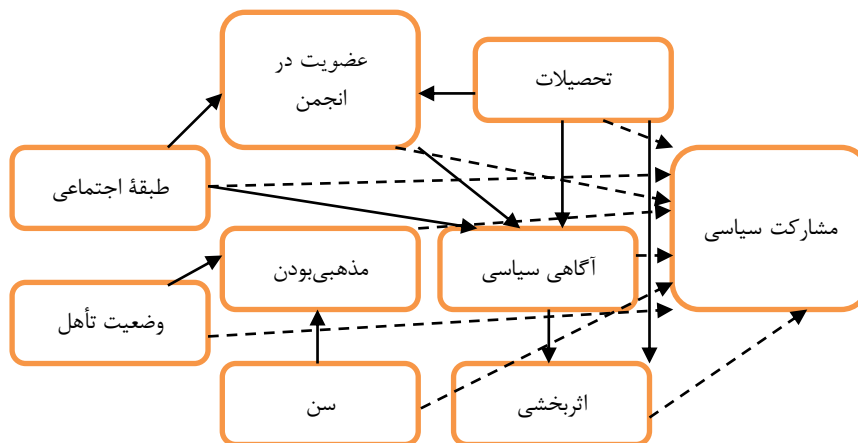
با عنایت به پیشینه عنوان‌شده، وجه تمایز تحقیق حاضر این است که متغیرهایی که در نظریه‌ها یا تحقیقات قبلی به صورت مجزا به‌منزله عوامل مؤثر معرفی شده‌اند، کنار یکدیگر سنجیده و بررسی خواهد شد تا تأثیرگذاری هر یک آن‌ها، در یک مجموعه عوامل مؤثر، مشخص شود.

## فرضیه‌ها و مدل تحقیق

بنابر آنچه در بخش پیشینه نظری و تجربی ذکر شد، متغیرهای آگاهی سیاسی، مذهبی‌بودن، احساس بی‌قدرتی، تحصیلات، اثربخشی سیاسی، طبقه اجتماعی، و عضویت در انجمن‌های

داوطلبانه در کنار دو متغیر وضعیت تأهل و سن به‌منزله عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهر بوشهر انتخاب شدند. فرضیه‌های تحقیق نیز عبارت‌اند از:

۱. با افزایش آگاهی سیاسی، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد؛
  ۲. با افزایش میزان مذهبی بودن، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد؛
  ۳. با افزایش احساس بی‌قدرتی سیاسی، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری کاهش می‌یابد؛
  ۴. با افزایش تحصیلات، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد؛
  ۵. با افزایش احساس اثربخشی سیاسی، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد؛
  ۶. با افزایش عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد؛
  ۷. میان طبقات اجتماعی تفاوت معناداری در میزان مشارکت سیاسی وجود دارد؛
  ۸. بین متأهلان و مجردان تفاوت معناداری در میزان مشارکت سیاسی وجود دارد؛
  ۹. با افزایش سن، میزان مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش می‌یابد.
- با توجه به پیشینه نظری مطرح‌شده، رابطه متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی و ارتباط بین خود متغیرها همانند تصویر ۱ خواهد بود:



تصویر ۱. مدل تحقیق



## روش پژوهش

در این تحقیق، از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه زنان ۱۸-۶۵ ساله شهر بوشهر در سال ۱۳۹۲ است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۹۶ نفر تعیین شد که پس از جمع‌آوری داده‌ها و حذف پرسشنامه‌های با خطای بالا، تعداد نمونه بررسی شده به ۳۵۰ نفر رسید. قسمت اعظم پرسشنامه‌های حذف شده متعلق به مناطقی بودند که قشر پایین جامعه در آن زندگی می‌کنند. در این تحقیق، جهت نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری خوشه‌ای (مناطق شهری) و تصادفی استفاده شد. بدین ترتیب که با توجه به حجم جمعیت هریک از مناطق شهری، سهم هر منطقه از تعداد کل جامعه آماری تعیین شد و سپس افراد مورد نظر به روش تصادفی انتخاب شدند.

## معرفی ابزار

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. مقیاس ابزار اندازه‌گیری لیکرت است؛ گویه‌ها به ترتیب بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، و بسیار زیاد قرار گرفته و به ترتیب نمرات ۱ تا ۵ به آن‌ها تعلق گرفته است. شاخص‌های استفاده شده از ترکیب گویه‌های طرح شده و محاسبه میانگین برای آن‌ها ساخته شده‌اند. برای سنجش شاخص مشارکت سیاسی سؤالاتی با مضمون شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، و... طراحی شد. شاخص آگاهی سیاسی با سؤالاتی چون: آگاهی از مسئولان سیاسی، آگاهی از قوانین سیاسی، و... سنجیده شد. شاخص مذهبی بودن با گویه‌های چون اهمیت مذهب در زندگی، شرکت در مراسم مذهبی، و... سنجیده شد. شاخص احساس بی‌قدرتی سیاسی با سؤالاتی چون بی‌توجهی جامعه به نظر زنان، بی‌نیازی مسئولان به نظر زنان، و... سنجیده شد. شاخص اثربخشی سیاسی با گویه‌های اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در تعیین سرنوشت جامعه سنجیده شد. طبقه یا پایگاه اقتصادی-اجتماعی از طریق پنج متغیر تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، و درآمد ماهیانه اعضای خانواده محاسبه شد. برای شاخص عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی سؤالاتی چون حضور در جلسات انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی و... مطرح شد. برای بررسی نوع مشارکت سیاسی از تقسیم‌بندی سلسله‌مراتب میلبرث سود جسته شد. شاخص تحصیلات از طریق سطح گذراندن مدارج علمی سنجیده شد. وضعیت تأهل به دو گروه متأهل و مجرد تقسیم شد. سن نیز در مفهوم سن مداوم سنجیده شده است.

## روایی و پایایی

جهت بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه از آماره آلفای کرونباخ، که میزان همبستگی درونی

گویه‌های مربوط به یک شاخص را نشان می‌دهد، استفاده شده است. آلفای محاسبه‌شده در جدول ۱ عنوان شده است:

جدول ۱. پایایی متغیرها

نام متغیر	مشارکت سیاسی	آگاهی سیاسی	طبقه اجتماعی	مذهبی بودن	بی‌قدرتی	اثربخشی	عضویت در انجمن‌ها
میزان آلفا	۰٫۷۴۱	۰٫۸۳۰	۰٫۷۱۰	۰٫۷۲۰	۰٫۷۲۵	۰٫۷۹۰	۰٫۷۰۵

تفسیر: میزان آلفای محاسبه‌شده نشان‌دهنده وجود قابلیت اعتماد مطلوبی در شاخص‌های موردنظر است و می‌توان از شاخص‌های سنجش‌شده برای بررسی فرضیه‌های مطرح‌شده استفاده کرد.

جهت بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه نیز از اعتبار صوری استفاده شده است. در بررسی اعتبار صوری تحقیق، پرسشنامه، پس از طراحی، از سوی اهالی فن و استادان نقد شد و پس از انجام‌دادن اصلاحات لازم، پرسشنامه نهایی استفاده شد.

## یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه خواهند شد.

### الف) توصیفی

توصیف وضعیت تأهل و سطح تحصیلات

جدول ۲. توزیع پاسخگویان براساس وضعیت تأهل و سطح تحصیلات

جمع	متأهل		مجرد		تأهل تحصیلات
	نسبت به حجم نمونه	فراوانی	نسبت به حجم نمونه	فراوانی	
۴۱	۶٫۵	۲۳	۵	۱۸	زیر دیپلم
۱۰۲	۱۳	۴۵	۱۶	۵۷	دیپلم
۵۵	۸٫۵	۳۰	۷	۲۵	فوق دیپلم
۱۳۰	۱۷٫۵	۶۱	۲۰	۶۹	کارشناسی
۲۲	۲٫۵	۸	۴	۱۴	ارشد و بالاتر
۳۵۰	۴۸	۱۶۷	۵۲	۱۸۳	جمع

توصیف: حدود ۵۲ درصد از حجم نمونه را مجردان تشکیل می‌دهند و ۴۸ درصد را متأهلان. بیشترین فراوانی در سطوح تحصیلی متعلق به سطح کارشناسی است که حدود ۳۸ درصد از حجم نمونه را داراست. بعد از این سطح نیز، به ترتیب سطوح دیپلم، فوق دیپلم، زیر دیپلم، و بالاتر از کارشناسی بالاترین حجم نمونه را دارند.

### توصیف نوع مشارکت سیاسی

جدول ۳. توزیع پاسخگویان براساس نوع مشارکت سیاسی

نوع مشارکت	پرتلاش	متوسط	تماشاگرانه
فراوانی	۶	۵۷	۲۸۷
درصد	۲	۱۶	۸۲

توصیف: قسمت اعظم زنان شهر بوشهر (۸۲ درصد) به لحاظ کیفیت یا سطح مشارکت سیاسی در گروه تماشاگرانه یا مشارکت توده‌ای قرار دارند و در مقابل فقط ۲ درصد مشارکت پرتلاش یا نخبگانی داشته‌اند که بیانگر این امر است که مشارکت سیاسی زنان شهر بوشهر بیشتر از نوع شرکت در انتخابات و رأی‌دادن است و قسمت اندکی به حضور نخبگانی و پرتلاش علاقه‌مند بوده‌اند.

### توصیف طبقه اجتماعی

جدول ۴. توزیع پاسخگویان براساس طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	پایین	متوسط	بالا	جمع
فراوانی	۱۱۲	۱۱۰	۱۲۸	۳۵۰
درصد	۳۲	۳۱	۳۷	۱۰۰

توصیف: حدود ۳۷ درصد از حجم نمونه را زنانی تشکیل می‌دهند که طبقه اجتماعی خود را بالا اعلام کرده‌اند. حدود ۳۱ درصد از پاسخگویان طبقه متوسط را برای خود برگزیده‌اند و ۳۲ درصد نیز طبقات پایین اجتماعی را برای خود گزارش کرده‌اند. باید یادآور شد که حدود ۱۲ درصد از حجم نمونه بررسی شده، که به طبقات پایین اجتماعی تعلق داشتند، به دلیل خطای فراوان در پرسشنامه، حذف شدند.

توصیف شاخص متغیرهای مستقل و وابسته

جدول ۵. توزیع پاسخگویان در متغیرها

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
مشارکت سیاسی	پایین	۱۱۵	۳۳	آگاهی سیاسی	پایین	۷۷	۲۲
	متوسط	۸۷	۲۵		متوسط	۶۳	۱۸
	بالا	۱۴۸	۴۲		بالا	۲۱۰	۶۰
	جمع	۳۵۰	۱۰۰		جمع	۳۵۰	۱۰۰
	میانگین: ۳/۴		میانگین: ۳/۵				
مذهبی بودن	پایین	۵۴	۱۵,۵	بی‌قدرتی سیاسی	پایین	۱۷۴	۵۰
	متوسط	۸۸	۲۵		متوسط	۹۵	۲۷
	بالا	۲۰۸	۵۹,۵		بالا	۸۱	۲۳
	جمع	۳۵۰	۱۰۰		جمع	۳۵۰	۱۰۰
	میانگین: ۳/۴		میانگین: ۲/۴				
اثربخشی سیاسی	پایین	۸۵	۲۴	عضویت در انجمن‌ها	پایین	۱۳۶	۳۹
	متوسط	۸۰	۲۳		متوسط	۱۰۹	۳۱
	بالا	۱۸۵	۵۳		بالا	۱۰۵	۳۰
	جمع	۳۵۰	۱۰۰		جمع	۳۵۰	۱۰۰
	میانگین: ۳/۵		میانگین: ۲/۸				

توصیف

در شاخص میزان مشارکت سیاسی، ۳۳ درصد از پاسخگویان مشارکت سیاسی خود پایین و بسیار پایین اعلام کرده‌اند و در مقابل ۴۲ درصد مشارکت خود را در حد بالا و بسیار بالا. حدود ۲۵ درصد نیز در این شاخص در حد متوسط قرار گرفته‌اند. میانگین محاسبه شده برای مشارکت سیاسی برابر با ۳/۴ است که بالاتر از حد متوسط است و مطلوب بودن مشارکت سیاسی زنان بوشهری را نشان می‌دهد. با در نظر آوردن جدول ۳، که سطح مشارکت تماشاگرانه را دارای بیشترین فراوانی نشان می‌دهد، میانگین مطلوب میزان مشارکت را بایست مربوط به مشارکت زیاد در فعالیت‌هایی چون انتخابات دانست.

در شاخص آگاهی سیاسی، ۶۰ درصد از پاسخگویان آگاهی سیاسی در حد مطلوب و ۱۸ درصد آگاهی سیاسی نامناسبی داشته‌اند. حدود ۲۲ درصد نیز آگاهی سیاسی در حد متوسط داشتند. میانگین محاسبه‌شده برای این شاخص برابر با  $\frac{3}{5}$  است که بالاتر از حد میانه است. در شاخص مذهبی بودن، ۱۵ درصد میزان اندکی را برای مذهبی بودن خود انتخاب کرده‌اند، ۲۵ درصد پایبندی خود به مذهب را در حد متوسط دانسته‌اند، و ۶۰ درصد از زنان بوشهری نیز مذهبی بودن خود را در حد بالا اعلام کرده‌اند. میانگین مذهبی بودن زنان شهر بوشهر برابر با  $\frac{3}{4}$  است که نشان از مناسب بودن این متغیر در جامعه مطالعه‌شده دارد.

در شاخص احساس بی‌قدرتی سیاسی، ۲۳ درصد از پاسخگویان احساس بی‌قدرتی خود را بالا گزارش کرده‌اند و ۲۷ درصد نیز در حد متوسط؛ اما ۵۰ درصد از زنان بوشهری بی‌قدرتی خود را کم و بسیار کم دانسته‌اند که نشان‌دهنده این است که پاسخگویان حضور خود در صحنه سیاسی را مؤثر می‌دانند. میانگین  $\frac{2}{4}$  محاسبه‌شده برای این متغیر نشان از پایین بودن میزان آن در جامعه بررسی شده است.

در شاخص اثربخشی سیاسی، عکس حالت بی‌قدرتی را شاهد هستیم: ۵۳ درصد از پاسخگویان مشارکت سیاسی خود را اثربخش دانسته‌اند و در مقابل ۲۴ درصد مشارکت خود را بدون اثر و ۲۳ درصد نیز در حد متوسط. میانگین محاسبه‌شده برای این شاخص برابر با  $\frac{3}{5}$  است که نشان از مناسب بودن آن است.

در شاخص عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی، وضعیت پاسخگویان سطوح عضویت بسیار به هم نزدیک است: ۳۹ درصد عضویت کم یا بسیار کم در این‌گونه انجمن‌ها دارند، ۳۱ درصد متوسط و ۳۰ درصد زیاد؛ اما میانگین محاسبه‌شده برابر  $\frac{2}{8}$  بوده که اندکی بالاتر از حد میانه است و نشان می‌دهد که حضور زنان بوشهری در انجمن‌های داوطلبانه در حد متوسط قرار دارد.

## ب) تحلیل

### آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نوع شاخص‌های سنجیده‌شده، دو نوع آماره برای آزمون فرضیه‌های مطرح‌شده انتخاب شدند؛ برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش فاصله‌ای بودند از آزمون همبستگی پیرسون<sup>۱</sup> (جدول ۶) و برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش ترتیبی و اسمی بودند از آماره تفاوت میانگین‌ها<sup>۲</sup> (جدول ۷).

1. Pearson Correlation

2. T-test

جدول ۶. آزمون فرضیه‌های مبتنی بر همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	شدت همبستگی	نتیجه آزمون
۱	مشارکت سیاسی	آگاهی سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۵۷۰*	تأیید
۲	مشارکت سیاسی	مذهبی بودن	۰/۰۰۰	۰/۳۴۷*	تأیید
۳	مشارکت سیاسی	بی قدرتی	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۷*	تأیید
۵	مشارکت سیاسی	اثربخشی	۰/۰۰۰	۰/۳۵۵*	تأیید
۷	مشارکت سیاسی	عضویت در انجمن‌ها	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵*	تأیید
۹	مشارکت سیاسی	سن	۰/۱۰۴	۰/۲۷۲	رد

\* معناداری در سطح ۰/۰۱

تفسیر: شش فرضیه طرح شده تأیید شده است و فرضیه رابطه بین سن میزان مشارکت سیاسی رد شده است. در میان فرضیه‌های تأیید شده، رابطه بین بی قدرتی و مشارکت سیاسی، منفی شده است که نشان از تأثیر معکوس این متغیر است. در میان چهار متغیری که رابطه مستقیمی با میزان مشارکت سیاسی دارند، آگاهی سیاسی بیشتر شدت همبستگی را دارد و پس از آن به ترتیب متغیرهای اثربخشی، مذهبی بودن، و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها قرار دارند. معناداری محاسبه شده برای هر پنج متغیری که رابطه آن‌ها معنادار بوده، در سطح خطای ۰/۰۱ است و این بدین معنی است که درباره چهار متغیری که رابطه مستقیمی دارند، به احتمال ۹۹ درصد با افزایش آن‌ها شاهد افزایش میزان مشارکت سیاسی زنان خواهیم بود و در مورد بی قدرتی نیز به احتمال ۹۹ درصد، با افزایش آن، میزان مشارکت سیاسی زنان کاهش خواهد یافت.

جدول ۷. آزمون فرضیه‌های مبتنی بر تفاوت میانگین‌ها

شماره فرضیه	متغیر آزمون	نوع آزمون	معناداری	نتیجه
۴	تحصیلات	Anova	۰/۰۰۰	تأیید
۷	طبقه اجتماعی	Anova	۰/۰۰۰	تأیید
۸	وضعیت تأهل	Independent Sample T-test	۰/۰۳۲	تأیید

تفسیر: تفاوت معناداری در هر سه متغیر بررسی شده در مشارکت سیاسی وجود دارد. در متغیر تحصیلات، میانگین میزان مشارکت سیاسی زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، بیشتر است؛ زنان زیر دیپلم ۲/۷، دیپلم ۲/۹۶، فوق دیپلم ۳/۲، لیسانس ۳/۹، و بالاتر از لیسانس ۳/۷۶.

در متغیر طبقه اجتماعی، میانگین میزان مشارکت سیاسی طبقات پایین برابر ۲/۹، طبقات متوسط ۳/۲ و طبقات بالا ۳/۵ بوده است که نشان‌دهنده مشارکت بیشتر طبقات بالاست. در متغیر وضعیت تاهل نیز، میانگین میزان مشارکت سیاسی مجردان برابر با ۳/۲۴ و برای متأهلان برابر ۳/۷ بوده است.

## تحلیل رگرسیونی

وجود همبستگی میان دو متغیر به معنی وجود رابطه تبیینی میان آن‌ها نخواهد بود. پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان صرفاً با یک عامل تبیین کرد. بنابراین، آزمون‌های قبلی صرفاً تأثیر منفرد متغیرها و نه تأثیر علی چندگانه متغیرها را بر مشارکت سیاسی زنان نشان دادند. هنگامی که چند متغیر مستقل در مورد یک متغیر وابسته بررسی می‌شود، برای جلوگیری از همبستگی کاذب میان متغیرها و همچنین خالص کردن میزان تأثیر هر متغیر مستقل با متغیر وابسته و تعیین ضریب تبیین، از مدل رگرسیون استفاده می‌شود. این مدل با خالص‌نمودن میزان همبستگی متغیرهای مستقل، همبستگی کاذب را از معادله حذف می‌کند و براساس اولویت تأثیرگذاری بر متغیر وابسته، متغیرهای مستقل را وارد معادله می‌کند و میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را محاسبه می‌کند. برای مشخص کردن ضریب تأثیر متغیرها به ترتیب اولویت، از روش گام‌به‌گام (Stepwise) استفاده شده است که متغیرهای مستقل را برحسب اهمیت تأثیرگذاری وارد معادله می‌کند.

جدول ۸. مدل رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان

گام‌های مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰.۵۷۰	۰.۳۲۵	۰.۳۲۳	۰.۹۹
۲	۰.۶۷۲	۰.۴۲۵	۰.۴۴۸	۰.۹۰
۳	۰.۷۳۱	۰.۵۳۵	۰.۵۳۱	۰.۸۳
۴	۰.۷۵۵	۰.۵۶۶	۰.۵۶۱	۰.۸۰
۵	۰.۷۶۰	۰.۵۷۸	۰.۵۷۲	۰.۷۹
۶	۰.۷۶۴	۰.۵۸۳	۰.۵۸۰	۰.۷۹
۷	۰.۷۶۷	۰.۵۹۶	۰.۵۸۸	۰.۷۸

تفسیر: براساس اطلاعات موجود در جدول ۸، متغیرها در هفت گام وارد مدل شده‌اند. متغیری که در اولین گام وارد تحلیل شده، آگاهی سیاسی است که توانسته به تنهایی ۳۲ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین کند. در گام بعد، مذهبی بودن وارد شده و قدرت تبیین را به ۴۵ درصد رسانیده است. در گام سوم، تحصیلات وارد شده و ضریب تبیین به ۵۳ درصد رسیده است. در گام چهارم، متغیر بی‌قدرتی به معادله اضافه شده و ضریب تبیین را

به ۵۶ درصد افزایش داده است. در گام پنجم، متغیر اثربخشی وارد معادله شده و ضریب تبیین را به ۵۷ درصد رسانیده است. در گام ششم، طبقه اجتماعی به معادله اضافه شده و ضریب تبیین به ۵۸ درصد رسیده است. در گام آخر نیز متغیر عضویت در انجمن‌ها وارد معادله شده و ضریب تبیین را به ۵۹ درصد رسانیده است.

میزان تأثیرگذاری تفکیکی متغیرهای نام‌برده شده در جدول ۹ بیان شده است:

جدول ۹. میزان تأثیر تفکیکی متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی زنان در گام نهایی

معناداری	ضریب Beta	ضریب t	نام متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۵۱۶	۱۴/۱۰۹	آگاهی سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۲۹۸	۸/۱۱۴	مذهبی‌بودن
۰/۰۲۷	۰/۱۵۰	۲/۲۱۶	تحصیلات
۰/۰۰۰	-۰/۱۷۹	-۵/۰۲۰	بی‌قدرتی
۰/۰۰۲	۰/۱۱۷	۳/۱۳۳	اثربخشی
۰/۰۲۲	۰/۱۴۰	۲/۰۸۰	طبقه اجتماعی
۰/۰۳۸	۰/۱۱۳	۱/۷۸۵	عضویت در انجمن
عرض از مبدأ در گام نهایی: ۱/۹۲۶			

تفسیر: شش متغیر آگاهی سیاسی، مذهبی‌بودن، تحصیلات، اثربخشی سیاسی، طبقه اجتماعی، و عضویت در انجمن‌ها، اثر مثبت بر مشارکت سیاسی دارند؛ به این معنی که با افزایش این متغیرها باعث خواهد شد مشارکت سیاسی زنان بوشهری افزایش یابد. بی‌قدرتی سیاسی اثرگذاری معکوسی بر مشارکت سیاسی دارد؛ بدین معنی که با افزایش بی‌قدرتی، مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد. در ضمن متغیر وضع تأهل، چه به‌طور منفرد و یا در کنار این متغیرها، تأثیری بر مشارکت سیاسی نداشته است. بر این اساس، معادله خط رگرسیون مشارکت سیاسی زنان شهر بوشهر بدین صورت است:

$$\text{مشارکت سیاسی} = \{ \text{آگاهی سیاسی} * 0/516 \} + \{ \text{مذهبی‌بودن} * 0/298 \} + \{ \text{تحصیلات} * 0/150 \} + \{ \text{بی‌قدرتی} * -0/179 \} + \{ \text{اثربخشی} * 0/117 \} + \{ \text{طبقه اجتماعی} * 0/140 \} + \{ \text{عضویت در انجمن} * 0/113 \} + 1/926$$

## نتیجه‌گیری و بحث

در این تحقیق، دو سؤال اصلی مطرح شد: ۱. عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر بوشهر، ۲. کیفیت مشارکت سیاسی آنان.

برای پاسخ به سؤال اول، در گام اول با استناد به پیشینه نظری و تجربی، نه متغیر انتخاب شد و فرضیه‌های آن‌ها طرح شد. در میان فرضیه‌های بررسی‌شده، هشت فرضیه (آگاهی سیاسی،



مذهبی بودن، بی‌قدرتی سیاسی، اثربخشی سیاسی، عضویت انجمنی، تحصیلات، وضعیت تأهل، پایگاه اجتماعی) تأیید شد و فرضیهٔ مربوط به رابطهٔ سن و مشارکت سیاسی رد شد.

در گام دوم، برای پاسخ به سؤال اول، جهت مشخص کردن قدرت تبیین مدل پیشنهادی و متغیرهای موجود، آمارهٔ رگرسیون استفاده شد تا قدرت متغیرهای اشاره‌شده در پیش‌بینی‌کنندگی مشارکت سیاسی در یک مجموعه چندمتغیری مشخص شود. معادلهٔ محاسبه‌شده نشان داد متغیرهای آگاهی سیاسی، مذهبی بودن، تحصیلات، بی‌قدرتی سیاسی، طبقهٔ اجتماعی، اثربخشی سیاسی، و عضویت در انجمن‌ها، به ترتیب بیشترین شدت همبستگی با مشارکت سیاسی را دارند و متغیر وضعیت تأهل نیز از معادله حذف شد.

نکتهٔ مهمی که با توجه به مدل پیشنهادی تحقیق و نتایج به‌دست‌آمده در مدل رگرسیون بایست بدان توجه کرد، رابطهٔ میان متغیرهای انتخاب‌شده است. گرچه تحقیقات زیادی سطح تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، و عضویت در انجمن‌ها را به‌منزلهٔ مهم‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان معرفی کرده‌اند، اما نتیجهٔ حاصل از معادلهٔ رگرسیون محاسبه‌شده نشان می‌دهد که این سه متغیر از طریق تأثیرگذاری بر آگاهی سیاسی بر مشارکت سیاسی اثرگذارند؛ با افزایش سطح تحصیلات، آگاهی سیاسی افزایش یافته، طبقات بالای اجتماعی آگاهی سیاسی بیشتری دارند و عضویت در انجمن‌ها باعث افزایش آگاهی سیاسی خواهد شد. با این حال، تحصیلات همچنان به‌منزلهٔ سومین عامل تأثیرگذار باقی مانده است اما میزان زیادی از همبستگی طبقهٔ اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها، به آگاهی سیاسی تعلق گرفته است و سبب شده تا تأثیرگذاری این متغیرها در معادلهٔ رگرسیون کمتر از نتیجهٔ حاصل از آزمون فرضیه‌ها باشد.

همچنین، مذهبی بودن زنان بوشهری در وضعیت مطلوبی قرار داشت که این مطلوبیت و تأثیرگذاری آن بر مشارکت سیاسی در معادلهٔ رگرسیون تأیید شد. احساس بی‌قدرتی سیاسی سبب کاهش مشارکت سیاسی زنان می‌شود و هرچند این متغیر در نمونهٔ بررسی شده وضعیت مناسبی نداشت، باعث کاهش مشارکت برخی از زنان شده است. بالعکس، احساس اثربخشی سیاسی وضعیت خوبی را داشته و تأثیر مثبت بر مشارکت سیاسی دارد، اما وارد شدن متغیر تحصیلات به معادله، که از عوامل مؤثر بر اثربخشی سیاسی است، سبب شده تا از شدت همبستگی اثربخشی بر مشارکت سیاسی کاسته شود.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، که کیفیت مشارکت سیاسی زنان بوشهری را جست‌وجو می‌کرد، نتیجهٔ بررسی نشان داد که اکثریت زنان بوشهری مشارکت سیاسی در سطح توده‌ای یا تماشاگرانه دارند. به بیان دیگر، گرچه مشارکت سیاسی زنان به لحاظ کمیت در سطح مطلوبی قرار دارد و بیش از ۸۲ درصد مشارکت سیاسی داشته‌اند، از کیفیت مطلوب برخوردار نیست و قسمت عمدهٔ این مشارکت در پایین‌ترین سطح به وقوع پیوسته است. این نتیجه در راستای تأیید تحقیقات قبلی است [۱۰؛ ۱۳؛ ۱۴؛ ۱۷؛ ۲۱؛ ۳۷؛ ۳۸]. بنابراین، به نظر می‌آید در بحث

مشارکت سیاسی زنان، بایست بیش از توجه به میزان مشارکت سیاسی، به کیفیت یا سطح مشارکت سیاسی نظر داشت و تلاش کرد با فعال کردن هرچه بیشتر زنان در سطوح بالای سیاسی، از توانایی این قشر جامعه در جهت سرعت بخشیدن به روند توسعه سود جست. در این زمینه، پیشنهادهای زیر، با توجه به نتایج حاصل، ارائه می‌شود.

### پیشنهاد‌های تحقیق

۱. آماده کردن بستر حضور زنان و به‌کارگیری آنان در سطوح بالای مدیریت سیاسی به منظور ارتقای سطح کیفی مشارکت سیاسی؛
۲. تلاش برای اهمیت حضور زنان در عرصه سیاسی و مهم‌بودن مشارکت آنان برای کاهش احساس بی‌قدرتی سیاسی و افزایش احساس اثربخشی سیاسی؛
۳. با توجه به تأثیرگذاری عضویت در انجمن‌ها بر آگاهی سیاسی به‌منزله مهم‌ترین متغیر مؤثر بر مشارکت سیاسی، مهیا کردن حضور زنان بوشهری در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه، می‌تواند عملیاتی‌ترین اقدام جهت افزایش مشارکت سیاسی زنان تلقی شود.

### منابع

- [۱] ادیبی سده، مهدی؛ رضائیان، عباس (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی زنان در شهر بوشهر»، *فصلنامه توسعه انسانی دانشکده اقتصاد و علوم/اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره اول، ش ۲، ص ۶-۲۳.
- [۲] امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ ابراهیمی‌پور، حورا؛ رهبر قاضی، محمودرضا (۱۳۹۲). «سنجش رابط فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۳۴.
- [۳] امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ عیسی‌نژاد، امید، مرنندی، زهره (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ش ۸، ص ۳۷-۶۸.
- [۴] امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ محموداوغلی، رضا؛ عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ش ۶، ص ۷-۳۴.
- [۵] امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۸۵). «مشارکت سیاسی زنان، زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *فرهنگ اصفهان*، ش ۳۱، ص ۸۶-۹۴.
- [۶] اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- [۷] آل غفور، سید محمدتقی؛ کاشف الغطاء، فاطمه (۱۳۸۸). «تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران»، *فصلنامه بانوان شیعه*، ش ۶، ص ۲۰، ص ۱۴۹-۱۸۵.

- [۸] بگ‌رضایی، پرویز (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهرستان ایلام»، فرهنگ ایلام، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۷۲-۵۴.
- [۹] پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۰] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ دستوری، مژگان؛ ابراهیمی، سودابه (۱۳۸۵). «تحلیلی بر مشارکت زنان در تشکلهای سیاسی کشور در سال ۱۳۸۵»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره هفتم، ش ۱، ص ۲۸-۷.
- [۱۱] ثقفی‌نژاد، محمد؛ پورکسمایی، مریم؛ فلاحی گیلان، روح‌الله (۱۳۹۰). «تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی زنان ۱۵-۲۹ ساله مناطق ۲ و ۱۸ شهر تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ش ۲، ص ۴۰-۲۹.
- [۱۲] جعفری‌نژاد، مسعود؛ کلانتری، صمد؛ نورمحمدیان، مژگان (۱۳۸۸). «بررسی میزان مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه یک شهر شهرکرد»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، ش ۱، ص ۸۳-۱۰۴.
- [۱۳] جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۷، ش ۲، ص ۱۲۲-۸۷.
- [۱۴] چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۱). «نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان»، *فصلنامه علوم/اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۱۹، ص ۱۰۷-۱۳۶.
- [۱۵] حسنی، قاسم (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال‌های ۸۷-۸۶»، *فصلنامه علوم/اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۵۰، ص ۱۳۰-۱۷۱.
- [۱۶] خلیلی، پوران؛ مرادی، سالار؛ شهریاری، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز مهریز»، *فصلنامه سیاست و اندیشه*، س ۱، ش ۴، ص ۱۲۳-۱۵۰.
- [۱۷] خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره پنجم، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۸۶.
- [۱۸] خواجه‌نوری، بیژن؛ مقدس، علی‌اصغر (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران نمونه مورد مطالعه: تهران، شیراز، و استهبان»، *مجله علوم/اجتماعی دانشگاه فردوسی*، س ۴، ش ۲، ص ۷۲-۴۵.
- [۱۹] دیبانتی، جواد (۱۳۸۲). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- [۲۰] زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۱). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالش‌های نوین»، *علوم/اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)*، ش ۱۹، ص ۸۹-۱۰۶.

- [۲۱] سیادت‌نسبت، سید مهرداد (۱۳۸۰). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر یاسوج»، *فصلنامه آوای دنا*، ش ۴، ص ۵-۳.
- [۲۲] سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۲، ش ۱، ص ۷۷-۵۹.
- [۲۳] شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ ملائی، صابر (۱۳۹۰). «تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات: مطالعه موردی معلمان ناحیه ۱ و ۳ اصفهان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۶، ش ۱، ص ۱۳۵-۱۶۶.
- [۲۴] صمدیان، فاطمه؛ یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۷). «تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، *فصلنامه مطالعات زنان*، س ۶، ش ۲، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- [۲۵] صمدی‌راد، انور (۱۳۸۵). «مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۵، ش ۲۱، ص ۹۹-۱۲۱.
- [۲۶] عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). *زنان در عرصه عمومی (عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی)*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- [۲۷] عطارزاده، مجتبی؛ مرندی، زهره (۱۳۹۱). «بررسی مشارکت سیاسی زنان در کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس بر پایه نظریه الزام سیاسی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ش ۶۸، ص ۳۵-۶۶.
- [۲۸] علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشور.
- [۲۹] فاضلی، محمد؛ خوشفر، غلامرضا (۱۳۹۰). «مشارکت سیاسی در استان گلستان»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، س ۴، ش ۳، ص ۱۳۴-۱۵۱.
- [۳۰] فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان؛ نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران»، *فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ش ۱۱، ص ۸۴-۱۱۰.
- [۳۱] قادرزاده، امید، یوسفوند؛ حجت‌اله (۱۳۹۱). «سنجش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- [۳۲] قاسمی، وحید (۱۳۸۱). «متغیرهای فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان»، *فرهنگ اصفهان*، ش ۲۰، ص ۸۰-۸۷.
- [۳۳] کتابی، محمود؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۱). «نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان»، *علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)*، ش ۹، ص ۳۵-۵۶.
- [۳۴] کردی، حسین (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر در نگرش زنان به مشارکت سیاسی در استان گلستان؛ مطالعه موردی: شهرستان گنبدکاووس»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، س ۱، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۲۳.
- [۳۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، چ ۸.

- [۳۶] گلایی، فاطمه؛ حاجیلو، فتانه (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره اول، ش ۱، ص ۱۷۳-۲۰۰.
- [۳۷] لهسایی زاده، عبدالعلی؛ باور، یوسف (۱۳۸۱). «نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۱۹، ص ۱۳۷-۱۵۰.
- [۳۸] محسنی تبریزی، علیرضا؛ قاضی طباطبایی، محمود؛ مرجایی، سید هادی (۱۳۸۴). *طرح ملی بررسی مشارکت سیاسی زنان در ۲۸ مرکز استان کشور*، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- [۳۹] مسعودنیا، حسین؛ محمدی‌فر، نجات؛ مرادی، گلمراد؛ فروغی، عاطفه (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی - روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۸، ص ۱۰۳-۱۲۴.
- [۴۰] موحد، مجید (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی شهرستان بندرعباس»، *فصلنامه مطالعات زنان*، س ۱، ش ۳، ص ۳-۲۸.
- [۴۱] موسوی، طاهر (۱۳۷۷). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۴۲] میلبرث، لستر؛ لیل، گوئل (۱۳۸۶). *مشارکت سیاسی*، ترجمه رحیم ابوالحسنی، تهران: میزان.
- [۴۳] نوابخش، مهرداد؛ فتحی، سروش (۱۳۹۰). «درآمدی بر مفهوم‌شناسی و زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۷-۴۶.
- [۴۴] نواح، عبدالرضا؛ رضادوست، کریم؛ تامرادی، ایرج (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان در شهر اهواز»، *فصلنامه توسعه انسانی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، ش ۲-۳، ص ۵۷-۷۸.
- [۴۵] نیک‌پور قنواتی، لیلیا؛ معینی، مهدی؛ احمدی، حبیب (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان*، س ۳، ش ۱، ص ۴۱-۶۳.
- [۴۶] وثوقی، منصور؛ هاشمی، عبدالرسول (۱۳۸۳). «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران؛ مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۳۱-۳۲، ص ۱۶۱-۱۸۶.
- [۴۷] هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۵، ش ۱، ص ۱۹۹-۲۲۶.

[48] Burns, Nancy. Schlozman, Kay Lehman & Verba, Sidney (2001). *The private roots of public action: gender, equality, and political participation*, Harvard College.

[49] Castillo, Clare (2009). "Women's Political Participation and Influence in Sierra Leone", Fundación para las Relaciones Internacionales y el Diálogo Exterior: [www.fride.org](http://www.fride.org).

- [50] Dababneh, Abeer Bashier (2012). "Jordanian Women's Political Participation: Legislative Status and Structural Challenges", *European Journal of Social Sciences*, Vol.27 No.2: PP 213-221.
- [51] Djupe, Paul & Grant, Tobin (2001). "Religious Institutions and Political Participation in America", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol 40: PP 303-314.
- [52] Enayat, halimeh (2002). "Political Participation of Women in Iran: A Sociological Study", Ph. D. Thesis. Punjab University, Chandigarh, India.
- [53] Greenberg, Marcia (2000). "Women's Political Participation in the Republic of Macedonia: Opportunities to Support Women in Upcoming Elections and Beyond", International Center for Research on Women Academy for Educational Development.
- [54] Gruszczynski, Michael. Balzer, Amanda. Jacobs, Carly, Smith, Kevin & Hibbing, John (2013). "The Physiology of Political Participation", *Political Behavior*, Vol 35: PP 135-152.
- [55] Hoffman, Michael & Dowd, Robert (2008). "Religion Gender and Political Participation in Africa: Lessons From Nigeria, Senegal and Uganda", Department of Political Science, University of Notre Dame, Paper presented at the annual meeting of the Midwest Political Science Association 67th Annual National Conference, [www.citation.allacademic.com](http://www.citation.allacademic.com).
- [56] Jemna, Vasile & Curelaru, Mihai (2009). "Values and Students' Political Participation", *Journal for The Study of Religions and Ideologies*, Vol 8, No 24: PP 168-188.
- [57] Niner, Sara & True, Jacqui & Parashar, Swati & George, Nicole (2012). "Women's Political Participation in Asia and the Pacific", Women's Political Participation Report Asia-Pacific: [www.quotaproject.org](http://www.quotaproject.org).
- [58] O'Neill, Brenda (2013). "The Political and Civic Participation of Canadian Women", Paper prepared for the Annual Meetings of the Canadian Political Science Association Meetings, University of Victoria: <http://www.cpsa-acsp.ca>.
- [59] O'Neill, Brenda (2004). "Gender, Religion, Social Capital and Political Participation", Prepared for Delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association: [www.allacademic.com](http://www.allacademic.com).
- [60] Shelton, Dinah & Silvia, María & Escobar, Rodrigo (2011). "The Road to Substantive Democracy: Woman's Political Participation in the AMERICAS", Inter-AMERICAN Commission on Human Rights: [www.cidh.org](http://www.cidh.org).
- [61] Takezawa, Yukiko (2010). "Political Participation of Women in Norway - Strong Involvement by both Politicians and the Public", *Global Understanding through International Study*, Vol 40: PP 103-114.
- [62] United Nations Development Programme (2012). "Empowering Women for Stronger Political Parties": [www.undp.org/governance](http://www.undp.org/governance).